

بهداشت زبان

دیورا کامرون

ترجمه دکتر رضا امینی



۱۳۹۵

سرشناسه:	کمرن، دیورا، ۱۹۵۸ - م.
عنوان و نام پدیدآور:	Cameron, Deborah
مشخصات نشر:	بهداشت زبان/دیورا کامرون؛ ترجمه رضا امینی؛ ویراستار حسین محمدی.
مشخصات ظاهری:	تهران: بوی کاغذ، ۱۳۹۵.
شابک:	۵۱۶ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی:	978-600-95265-8-1
یادداشت:	فیپا
یادداشت:	عنوان اصلی: Verbal Hygiene, 1995.
موضوع:	کتابنامه.
موضوع:	زبان پیرایی
شماره افزوده:	فرازبان
رده‌بندی کنگره:	امینی، رضا، ۱۳۵۵ - مترجم
رده‌بندی دهی:	۱۳۹۵ ک ۲۳/۵/۴۰
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۸
	۴۲-۱۷۳۶



نشر بوی کاغذ

تهران، شهرک امید، تلفن: ۰۲۱-۷۷۰۸۰۹۴۶، تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

پست الکترونیک: booka.nashr@gmail.com وبسایت: www.bookapub.ir

Verbal Hygiene Deborah Cameron 2012	بهداشت زبان دیورا کامرون ترجمه دکتر رضا امینی
ویراستار: دکتر حسین محمدی ناظر فنی چاپ: رضا جعفری تیراژ: ۵۰۰ نسخه	چاپ: اول، ۱۳۹۵ مدیر تولید: احمد رضانی چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه خوارزمی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۶۵-۸-۱	

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

برای
...
هبه
این
سال‌ها

www.booka.ir

www.booka.ir

فهرست مطالب

۱۱	یادداشت مترجم
۱۳	پیش درآمد
۳۱	پیش گفتار
۴۳	سیاسگزاری
۴۷	۱. فصل نخست: درباره بهداشت زبان
۴۷	از سپیده دم زمان تا
۵۰	مسائل «تجویزگرایی»
۶۲	زبان شناسی و سیاست بهداشت زبان: اتوریت، هویت و کارگزاری
۶۳	اتوریت
۶۸	هویت
۷۲	کارگزاری و «امر طبیعی»
۸۱	برقراری ارتباط: بهداشت زبان و هراس فروپاشی
۸۸	بهداشت [زبان] در تاریخ
۹۲	بررسی و کندوکاو بهداشت زبان
۹۷	۲. فصل دوم: عملکردهای محدودکننده؛ سیاست شیوه نگارش
۹۷	شیوه نگارش به مثابه بهداشت زبان: سروسامان دادن به نوشته‌های چاپ شده
۱۰۶	شیوه نگارش به مثابه یک پیشه: از یکپارچگی تا معیارسازی افراطی

۱۱۰.....	یکپارچگی: فروش معیارها
۱۱۴.....	گوناگونی: «شیوه نگارش» به مثابه یک کالا
۱۱۹.....	معیارسازی افراطی و «اتوریت‌های» رقیب
۱۲۵.....	عملکردهای محدودکننده
۱۳۰.....	از عملکرد تا نظریه: ساخت «کاربرد [زبانی] عمومی»
۱۳۶.....	حرکت در مسیر روزنامه‌تایمز: تاریخ ۸۰ ساله شیوه نگارش یک روزنامه
۱۴۶.....	سبک به مثابه ایدئولوژی: شفافیت و «زبان ساده»
۱۵۴.....	کاربرد زبان ساده و شسته‌رفته و دفاع از دموکراسی
۱۶۳.....	«زبان‌های جنینی» و سیاست گفتمان
۱۶۶.....	سبک، برقراری ارتباط و کارگزاری در زبان

۱۶۹.....	۳. فصل سوم: دکتر نحو و خانم گراندی؛ نبرد بزرگ دستور زبان
۱۶۹.....	تحریک عدالت سیاسی: آقای نحو با خانم گراندی ملاقات می‌کند
۱۷۵.....	هراس اخلاقی
۱۸۰.....	«هراس» دستور زبان: مروری کوتاه
۱۹۳.....	دستور زبان به مثابه استعاره‌ای اخلاقی: ریشه‌های هراس
۱۹۹.....	صف‌آرایی محافظه‌کاران در برابر زبان‌شناسان: حمله به «نوع‌عرف»
۲۰۹.....	محافظه‌کاران در برابر «دستگاه آموزش و پرورش»: دفاع از تمرین و نیمکت
۲۱۶.....	محافظه‌کاران در برابر کثرت‌گرایان: فرهنگ ملی
۲۲۱.....	محافظه‌کاران در برابر محافظه‌کاران؟
۲۲۳.....	جنبه اخلاقی داستان

۴. فصل چهارم: آداب رفتار و ناخشنودی از آن؛ زبان و «نیک‌نمایی

۲۲۹.....	سیاست‌ورزانه»
۲۲۹.....	حال و هوای زمانه

جنگ‌های واژه‌ها: کدام یک چیره خواهند شد؟	۲۳۳
«نیک‌نمایی سیاست‌ورزانه» و قدرت تعریف	۲۳۹
تعریف اصطلاحات مورد نظر: مرور کوتاه پیشینه «نیک‌نمایی سیاست‌ورزانه»	۲۴۲
تحول بطئی گفتمانی	۲۴۸
تکرار دوباره همه چیز از اول: بازبینی دوباره زبان غیرجنسیتی	۲۵۳
اصلاح زبان: و مقاومت در برابر آن: دستورعمل‌های زبان غیرجنسیت‌گرا	۲۵۵
سیاست تحول زبان: دستکاری و پیش‌پاافتاده‌سازی [زبان]	۲۶۷
فقط واژه‌ها؟	۲۶۹
فضایی تیره و تاریک: مسأله «خوشایندسازی» زبانی	۲۷۴
نقض قرارداد زبانی: «نیک‌نمایی سیاست‌ورزانه» و «نوزبان»	۲۸۳
نوزبان	۲۸۶
واقعیت‌ها و ارزش‌ها: بهداشت زبانی لبرالی در برابر بهداشت زبانی رادیکال	۲۹۳
قوانین ثابت و قوانین گفتار	۲۹۶
سیاست فرهنگی و «رؤیای یک زبان مشترک»	۳۰۱
آزادی بیان، هنجارگذاری و آنچه در پس ذهن‌هایمان وجود دارد	۳۰۶

۵. فصل پنجم: پیگمالیون جدید؛ بهداشت زبان برای زنان

از حضيض فقر تا اوج ثروت: زبان، جنسیت و دگرگونی	۳۰۹
زنان پاک‌سازی‌شده: بهداشت زبان و زنانگی	۳۱۴
آیا پند و توصیه ژانری با جنسیتی مشخص است؟	۳۱۷
بهداشت زبان برای زنان: پندها و توصیه‌های سنتی	۳۱۹
فمینیسم و بهداشت زبان: مسأله «قاطعیت»	۳۲۶
چرا یک زن بیش از این نمی‌تواند همانند یک مرد باشد؟	۳۳۸
پندها و توصیه‌های مرتبط با زندگی کاری به زنان: «همانند یک مرد سخن بگویید»	۳۳۸
پندها و توصیه‌های مرتبط با روابط [زنان با دیگران]: «در مورد دختران فرق می‌کند»	۳۵۱

- ۳۶۰..... [های زن و مرد] تفاوت گذاری «تفاوت»
 ۳۶۶..... مسأله گفتار زنان: واقعیت، تخیل یا تمثیل؟
 ۳۷۲..... خواندن نوشته‌های مربوط به خودیاری گری: بهنجاری و هنجارگذاری
 ۳۷۵..... خوانش خطوط پنهان
 ۳۸۰..... داستان‌های قدرت بخشیدن به زنان؟ فمسیسم و خودیاری گری

۶ فصل ششم: درباره وضعیت و وضعیت زبان ۳۸۳

- ۳۸۳..... داستان‌های زبان
 ۳۸۸..... بر ضد طبیعت
 ۳۸۹..... کارکردهای اجتماعی بهداشت زبان
 ۳۹۴..... بر ضد باور جادو
 ۳۹۹..... زبان مهم است
 ۴۰۱..... مانیفستی در کار نیست
 ۴۰۲..... ۱ زبان و ارزش‌ها
 ۴۰۴..... ۲ قواعد و دلایل
 ۴۰۵..... ۳ دستورکارهای پنهان و گروه‌های ذی‌نفع
 ۴۰۷..... ۴ احترام قائل شدن برای پاره‌واقعیت‌ها
 ۴۰۹..... زبان‌شناسی و بهداشت زبان
 ۴۱۰..... فراتر از «هر کاربرد زبانی درست است»

تکمله ۴۲۱

- ۴۲۱..... داستان‌هایی درباره زبان انگلیسی: دکتر نحو، خانم گراندی و جان بول
 ۴۳۱..... آیا نیک‌نمایی سیاست‌ورزانه سردرگم شده است؟
 ۴۳۸..... بازگشت به طبیعت: نزدیک شدن بهداشت زبان به تبعیض جنسی عصب‌شناختی
 ۴۴۹..... جهانی‌سازی (۱): مدیریت «ارتباط»

فهرست مطالب ❖ ۹

جهانی‌سازی (۲): در مخاطره‌بودن تنوع ۴۵۵

نتیجه ۴۶۳

یادداشت‌ها ۴۶۵

منابع ۴۹۱

نمایه نام‌ها ۵۰۳

نمایه موضوع‌ها ۵۰۶

WWW.BOOKSA.ir

www.booka.ir

یادداشت مترجم

با نام این کتاب، من نخستین بار به هنگام ترجمه کتاب *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، نوشته رونالد وازداف، برخورد کردم. جذابیت عنوان «بهداشت زبان» مرا بر آن داشت که کتاب را بیابم. در همان مرور آغازین، آن قدر مطالب کتاب برایم جذاب و دربردارنده نکته‌های نو و آموزنده بود که تصمیم گرفتم آن را نیز به زبان مشترک ایرانیان برگردانم. اکنون خرسندم که این کتاب بی‌همتا به فارسی درآمده است. تازگی موضوع کتاب، آوازه آن و اندیشه‌های نوی که در آن آمده است، بی‌گمان نوشتن پیش‌گفتاری روشن‌گر را بر آن الزامی می‌کند. به هنگام ترجمه کتاب، بر آن بودم که پس از انجام کار، پیش‌گفتاری گویا یا دست‌کم مختصری بر آن بنویسم. اما پس از به انجام رسیدن ترجمه کتاب، توان این کار مهم از من رخت بر بست، و اکنون هم هوای حوصله‌ام برای این کار آفتابی نیست. از این رو، این کار را به زمانی دیگر – شاید در چارچوب یک مقاله نقد و بررسی – وامی‌گذارم. البته امیدوارم که زحمت انجام آن کار را نیز یکی از دوستان کوشای خودم بر عهده گیرد، تا من بتوانم یک‌سره از زیر بار این مسئولیت بگریزم؛ و کار من با این کتاب به همین یادداشت پایان پذیرد.

متن انگلیسی این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۹۵ منتشر و پس از آن چند بار دیگر چاپ شده است. در سال ۲۰۱۲ نیز ویراست دیگری از آن در چارچوب «مجموعه آثار کلاسیک زبان‌شناسی انتشارات راتلیج»^۱ به بازار کتاب آمده است که افزون بر متن ویراست ۱۹۹۵، دربردارنده پیش‌درآمد و تکمله‌ای مفصل است. نویسنده کتاب، در این دو بخش، کوشیده است که کتاب را نو و به‌روز کند. ترجمه فارسی کتاب از روی همین ویراست ۲۰۱۲ انجام گرفته است. زبان متن انگلیسی کتاب دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و در آن اصطلاحات و تعبیرهای نو زیاد است. مترجم کوشیده است متن را با زبانی روشن و فهم‌پذیر و در عین حال امین به متن مبدأ، به فارسی برگرداند. پانوشتهای توضیحی بسیاری را مترجم به متن افزوده، و برابر انگلیسی همگی نام‌های خاص، و اصطلاحات و تعبیرهای نو، ناشناخته‌تر و احتمالاً پیچیده را پانوشته کرده است. در متن فارسی از [] برای مشخص کردن مطالبی بهره گرفته شده است که مترجم به متن افزوده، و از {} برای مشخص کردن شماره یادداشت‌هایی که

در پایان کتاب آمده؛ و عددهای پانوشته‌ها هم در متن به صورت بالانوشته مشخص شده‌اند. به هنگام ترجمه این کتاب، دل‌پره و پریشانی و دل‌آشوبی و ذهن‌مشغولی و حیرانی بر مترجم چیره بوده است. اما او همه کوشش خود را کرده است که اینها هیچ یک نتوانند متن را به تجربه خود او دچار کنند. ... خوشبختانه کار ویراستاری کتاب به قلم ظریف و نکته‌سنج دکتر حسین محمدی سپرده شد؛ و مترجم دلش آرام گرفت که متن نهایی کتاب به دور از آشوب و پریشانی، و آراسته و درخور زبان مشترک ایرانیان خواهد بود. در برابر کوشش شایسته ستایش ویراستار توانمند کتاب، تنها می‌توانم بگویم سپاس دوستِ روزهای سختی و پریشانی.

دکتر احمد رضایی، مدیر جوان و کوشای نشر بوکا، از چاپ کتاب استقبال کرد و پیگیرانه کارهایی آن را به انجام رسانید. از احمد عزیز سپاسگزارم به خاطر ثابت‌قدمی، و نگاه نیکش، و صدا البته خوبی‌هایی که به هنگام نیاز به من کرده است. قدردان دوست خویم دکتر حسین شیخ بستان‌آبادی - که بی‌گمان در شمار کتاب‌شناسان برجسته ایرانی است - از دانشگاه گوتینگن^۱ آلمان هستم که با سخاوت‌مندی، ویراست ۲۰۱۲ کتاب را در اختیار من گذاشت. دوستان نیک‌خواهم دکتر عبدالرسول شاکری و دکتر علی صالحی مرا در به انجام رساندن این ترجمه تشویق کرده‌اند. در این مسیر، شاید اگر انگیزه‌دهی همیشگی آنها نبوده، آن آشوب‌ها و پریشانی‌ها تمام کردن کار را از من می‌گرفت؛ از این رو، از عبدالرسول و علی عزیز هم سپاسگزارم که هلم دادند، و همچنین برای هم‌فکری‌هایی که با هم داشته‌ایم در مسیر. در گروه «زبان پژوهان» وایبر^۲، سرکار خانم دکتر شهین نعمت‌زاده که حق استادی نیز بر گردن من دارند، و سرکار خانم دکتر نگار داوری اردکانی، و برخی از دوستان دیگر، نکته‌هایی درباره ترجمه عنوان کتاب به من متذکر شدند که به خاطر آنها از این دو استاد ارجمند و دوستان دیگر سپاسگزارم. خواهران نورچشمی، نویسنده و سناناز، چون گذشته در کنارم بوده‌اند، و تشویق کرده‌اند برای به پیش رفتن؛ از آنها هم خیلی ممنونم.

به هر روی، امیدوارم ترجمه فارسی این کتاب ارزشمند، برای دانشجویان و دانش‌پژوهان رشته‌های زبان‌شناسی، آموزش زبان، ادبیات، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان، علوم ارتباطات، مدیریت رسانه و دیگر علاقه‌مندان سودمند واقع شود. از خوانندگان گرامی کتاب خواهشمندم که هر نگاه و نظری که درباره کتاب و ترجمه فارسی آن دارند، با این رایانامه با من در میان گذارند: iranamini@msn.com.

رضا امینی

تهران ۱۶/ بهمن/ ۱۳۹۴ خورشیدی

1. Georg-August-Universität Göttingen
2. Viber

پیش درآمد

آنچه در پی می‌آید ویراستی یک‌سره جدید از بهداشت زبان نیست: پیکره اصلی متن این کتاب در بردارنده همان مطالب ویراست نخست آن است که در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. بنابراین، خواننده ممکن است در شگفت باشد که چرا من از فرصت موجود برای روزآمد کردن کتاب بهره نگرفته‌ام؛ به‌ویژه اینکه جلد‌هایی که من در این کتاب بدان‌ها پرداخته‌ام نیز متحمل تغییر و تحول شده‌اند، و افزون بر این در این مدت، نگرانی‌های دیگری بروز کرده است که در آن زمانی که من پژوهش اولیه‌ام را انجام می‌دادم با مشخص و برجسته نبودند یا دیده نمی‌شدند (البته من به این دست از تغییرها در تکمله کتاب خواهم پرداخت). با وجود این، آن استدلالی که محور اصلی بهداشت زبان قرار گرفته است، در گذر زمان تغییر نکرده است. در واقع، چنانچه این استدلال در زمانی که من آن را مطرح کردم، استدلال بجایی بوده باشد، امروز به مراتب بجاتر و موجه‌تر است. در سال ۱۹۹۵ من استدلال کردم که بهداشت زبان صرفاً اقدامی غیرطبیعی و بیهوده که ریشه‌اش را باید در ناتوانی ما از فهم چگونگی کارکرد زبان جست‌وجو کرد، نیست. اصطلاح بهداشت زبان را من، خودم ابداع کرده‌ام. این اصطلاح اشاره به گردآوری قریب‌وقاتی، گفتمان‌ها و عملکردهایی دارد که از رهگذر آنها مردم می‌کوشند زبان را «پاک کنند» و ساختار یا کاربردهایش را با آرمان‌هایی هم‌خوان کنند که آنها در ارتباط با زیبایی، حقیقت، کارآمدی، منطق، درست بودن و آداب رفتار دارند. از منظری دیگر، بهداشت زبان محصول نحوه کار کردن زبان است: بدین معنی که بهداشت زبان یکی از رویش‌های ظرفیت انعطاف‌پذیری فرازبانی است که باعث می‌شود انعطاف‌پذیری و تفاوت‌های ظریف ارتباط زبانی انسانی این‌قدر منحصر به فرد باشد. این ظرفیت در ارتباط‌های روزانه دارای کارکردهای مهمی است (برای نمونه ما را قادر به اصلاح اشتباهات و سوء تفاهمات می‌کند)، اما نمی‌توان آن را محدود به این کارکردها دانست. صورت‌های پیچیده‌تر این ظرفیت را می‌توان در یکی از گرایش‌هایی دید که در طول تاریخ بشر او را همراهی کرده است: تأمل در آنچه ما در جهان مشاهده می‌کنیم، انگیزه مداخله در جهان، چیره شدن بر آن و بهتر کردنش را در ما به وجود می‌آورد. در نسبت با زبان، چنین انگیزه‌ای انسان را به سوی گسترش هنجارهایی هدایت کرده است که مبنای

تعریف خوب یا بد، درست یا غلط و پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی بودن امور قرار می‌گیرند. اگرچه هدف نمایان این هنجارها قاعده‌مند کردن زبان است، آنها ممکن است بیانگر دغدغه‌های ژرفتری نیز باشند که زبانی نیستند، بلکه اجتماعی، اخلاقی و سیاسی‌اند.

یکی از اهداف من از طرح استدلال مورد نظر، جلب توجه دسته‌ای از زبان‌شناسان حرفه‌ای بوده است که پاسخ و واکنش آنها به دل‌مشغولی‌های طرفداران بهداشت زبان، مبتنی بر رد کردن آنها به عنوان اموری نامربوط، بیهوده و غلط است. در حال حاضر، شیوه‌های ارتباط برقرار کردن زبان‌شناسان با کاربران عادی زبان متنوع‌تر شده است (نکته‌ای که من در ادامه بیشتر درباره آن صحبت خواهم کرد). اما سنت سرزنشگر «بگذارید زبان‌تان تنها باشد» نه تنها هنوز نیروی حیاتی و سرزندگی خود را از دست نداده است، بلکه به شیوه‌هایی خود را روزآمد کرده است که به احتمال بسیار ارزش اشاره به آن را دارد.

کوتاه زمانی پیش از چاپ *بهداشت زبان* (اما پس از آنکه من نوشتن آن را تمام کرده بودم)، استیون پینکر^۱ کتاب *غریزه زبانی*^۲ را منتشر کرد که کتابی است درباره زبان، برای خوانندگان عمومی. این کتاب تبدیل به یکی از موفق‌ترین کتاب‌ها در تاریخ کتاب‌های عمومی [زبان‌شناسی] از نوع خود شد. تکه‌متن^۳ زیر برگرفته از فصلی از این کتاب است. در این فصل پینکر درباره تجویزگرایی بحث می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا تجویزگرایی کاری است غلط:

فرض کنید که شما در حال تماشای مستندی درباره طبیعت هستید. در این مستند صحنه‌های باشکوه معمول زندگی حیوانات در زیستگاه‌های طبیعی شان به تصویر کشیده شده است. اما صدایی که بر روی این مستند گذاشته شده است، از چند واقعیت نگران‌کننده صحبت می‌کند ... گنجشک‌های کاکل سفید^۴ با بی‌دقتی صداهایشان را خراب می‌کنند ... آواز نهنگ‌های کوهان‌دار^۵ در بردارنده چندین خطای مشخص و آشکار است، و گفته می‌شود که چندین سال است که جیغ‌های میمون‌ها دچار آشفتگی شده‌اند.

در اینجا پینکر از تاکتیک بازنمایی زبان به عنوان پدیده‌ای طبیعی بهره گرفته است. نکته در آن زمان تاکتیک معتبری بود و باعث می‌شد که زبان تبدیل به چیزی شود که قضاوت کردن ما درباره آن نامربوط و بی‌مورد به نظر آید. اما نگرش او به زبان، به مثابه بخشی از «طبیعت»، همان نگرش سستی نیست که من در *بهداشت زبان* به تحلیل و بررسی آن پرداخته‌ام. در حرف‌هایی که به طور

1. Steven Pinker
2. The Language Instinct
3. passage
4. white-crowned sparrows
5. humpback whale

ستی دربارهٔ پیوند طبیعت و زبان زده می‌شود (برای نمونه، ص ۲۲)، به طور معمول خود زبان با ارگانیسم‌های جاندار^۱ یا نیروهای قدرتمند طبیعی، همچون باد یا جزر و مد مقایسه شده است: نکته‌ای که در این دست حرف‌های سستی وجود دارد، این است که این ارگانیسم‌ها و نیروهای طبیعی دارای قوانین خاص خود هستند و ابلهانه است که گمان کنیم ما می‌توانیم آنها را متوقف کنیم. در مقابل، در آنچه پینکر می‌گوید، زبان از این نظر پدیده‌ای «طبیعی» است که بخشی از طبیعت زیست‌شناختی تکامل یافته ما است. [در واقع گفته می‌شود که] زبان نیرویی نیست که از بیرون در برابر ما قرار گرفته باشد، بلکه غریزه‌ای است که از درون ما را به پیش می‌برد. حرف پینکر این است که زبان شیوه‌ای است که طبیعت برای برقراری ارتباط به گونهٔ انسان عطا کرده است، درست همان‌طور که شیوه‌های دیگری را برای برقراری ارتباط به گونه‌های دیگر عطا کرده است. چنانچه ما بپذیریم که قضاوت کردن ارزش‌گذارانه در موردی نامعقول و بیهوده است، باید بپذیریم که در موارد دیگر هم، چنین قضاوت‌هایی به همان اندازه نامعقول و بیهوده هستند.

پینکر در شمار افراد جریان شناختگر^۲ در زبان‌شناسی است. در این جریان به مطالعهٔ زبان به مثابهٔ کوششی نگریده می‌شود که به علوم زیست‌شناسی نزدیک‌تر است تا به علوم اجتماعی. از میانهٔ دههٔ ۱۹۹۰ تلقی پینکر از رفتار ربانی به مثابهٔ رفتاری «غریزی»، یا «سخت - عصبی»^۳ در گفتمان عمومی نافذ و فراگیر شده است (در بحث تکملهٔ این کتاب، من به بررسی یکی از مواردی پرداخته‌ام که در آن تأثیر این دیدگاه پینکر به طور خاص شدید بوده است؛ به عبارت دیگر، در گفتمان مربوط به تفاوت‌های مرد - زن). انتقادی که من به این دیدگاه دارم، کمتر از انتقادی نیست که به استدلال سستی تری دارم که می‌گوید «زبان بیگ چیز / نیروی زندهٔ طبیعت است». همانند بیشتر زبان‌شناسان، من هم بر سر این موضوع بحثی ندارم که توانمندی انسان برای فراگیری و کاربرد زبان مبتنی بر توانایی‌های شناختی است که بخشی از موهبت ژنتیکی هستند که به ما اعطا شده است. با وجود این، من عبارت «غریزهٔ زبان» را عبارتی نامناسب می‌دانم؛ بدین دلیل که واژهٔ «غریزه» اشاره به آن نوع رفتار دارد که دربارهٔ آن نمی‌توان نظری ایراد کرد؛ از این لحاظ، زبان موردی پیچیده‌تر از رفتار حیوانات است که پینکر زبان انسان را با آن مقایسه می‌کند. درست است که بسیاری از فعالیت‌های زبانی پیچیده بدون فکر آگاهانه و از روی عادت روی می‌دهند، و از بسیاری از الگوهای هم که تحلیل زبان‌شناختی آشکار می‌کند، گویسورانی که آنها را تولید کرده‌اند، دقیقاً به همان صورت آگاهی ندارند؛ با این همه، افراد می‌توانند دربارهٔ رفتار

1. living organisms
2. cognitivist current
3. hard-wired

زبانی خود و دیگران اظهار نظر کنند و مکرراً هم این کار را می‌کنند. نه تنها غیرارادی بودگی فرازبانی^۱ یکی از ویژگی‌های بسیار بارز شیوه برقراری ارتباط انسانی است، بلکه یکی از ویژگی‌هایی است که شیوه برقراری ارتباط انسانی را از گونه‌های غیرانسانی آن متمایز می‌کند. تا آنجا که بر ما مشخص است، هیچ نهنگ کوهان‌داری تا کنون با چیزی همانند ایجاد خطاهای عمدی در زبان خودش، همکارانش را سرگرم نکرده است، یا به زبان تند و تیزی به نهنگی دیگر اطلاع نداده است که آخرین آوازش آن‌چنان که باید خوب نبوده است. در مقابل، در میان انسان‌ها، حتی بچه‌های خیلی کم سن و سال هم از بازی با واژگان لذت می‌برند، و گاهی از آنها می‌شنویم که درباره رفتار «ناهنجار» [زبانی] دیگران نظر می‌دهند. این رفتار نابهنجار نیز می‌تواند از کاربرد یک واژه گستاخانه ممنوعه‌ای که یک بزرگسال به کار می‌برد تا ناتوانی کودکی در تلفظ صدای /r/ را تکرار کند. اگرچه قضاوت‌های خاصی که ما درباره زبان انجام می‌دهیم از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. به نظر می‌رسد که انگیزه بنیادینی که در ما برای ارزش‌گذاری [کاربردهای] زبانی [افراد] وجود دارد، خصلت بسیار عمومی‌تری دارد.

این استدلال ممکن است چندان مورد توجه شناخت‌گرایانی^۲ همچون پینکر قرار نگرفته باشد، اما زبان‌شناسانی که علاقه‌مند به مطالعه حیات اجتماعی زبان هستند، توجه جدی‌تری به آن نشان داده‌اند. در آغاز، آن نوع «بهداشت زبانی» که منظور من است، بدگمانی‌هایی را برانگیخت. اگر استدلال کنیم که پدیده‌های در ظاهر ناهمگونی که در فصل‌های این کتاب به عنوان مطالعاتی موردی مورد بحث قرار گرفته‌اند، متعلق به همین نوع بهداشت زبانی هستند، می‌توانیم بگوییم که کاری که در این کتاب انجام شده، کاری است نو؛ هرچند که ممکن است همه آن را متقاعدکننده ندانند. جیمز میلروی^۳ (۱۹۹۷: ۱۲۷) پس از آنکه در یک مقاله نقد و بررسی اشاره می‌کند که «بارزترین مشخصه این کتاب این است که موضوعات مختلفی را زیر عنوان بهداشت زبانی آورده است»، متذکر می‌شود که «زبان‌شناسان احتمالاً استدلال خواهند کرد که آیا استعاره موجود در نام این کتاب مناسب است یا نه، و اینکه آیا موضوعاتی که کامرون آنها را مورد بحث قرار می‌دهد، به مناسب‌ترین نحو زیر عنوان مربوط به آنها مورد بحث قرار گرفته است یا نه». با این همه، به نظر می‌آید که در گذر زمان هم استعاره موجود در نام کتاب و هم خود مفهوم بهداشت زبان با هم تلفیق شده‌اند. اصطلاح «بهداشت زبان» {۱} در منابع بی‌شماری، از جمله واژه‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌های زبان‌شناسی، به کار برده شده است؛ بر استدلال نظری [بنیادین] این کتاب مبنی بر

1. metalinguistic reflexivity

2. cognitivists

3. James Milroy

جایگاه محوری هنجار‌گذاری^۱ در کاربرد زبان به مثابه یک عملکرد نیز به طور گسترده در بحث‌هایی که پس از انتشار کتاب انجام گرفته، صحنه گذاشته شده است. با وجود این، وقتی که به مرور گذشته می‌پردازم، گمان نمی‌کنم که به کارگیری اصطلاح «بهداشت زبان» در منابع بی‌شمار، و صحنه گذاشتن بر استدلال نظری بنیادین این کتاب در بحث‌های پس از انتشار آن، فقط شاهدهی بر درستی کوشش‌های خود من باشد. حتی اگر من در زمانی که کتاب را می‌نوشتم از این امر به طور کامل آگاه نبوده باشم، باید بگویم که بهداشت زبان بخشی از یک جریان فکری بزرگ‌تر بود که علاقه فزاینده به مطالعه جدی عملکردهای زبانی هنجارمند را بازتاب می‌داد.

برای نمونه، همانندی‌های آشکاری میان کار من درباره بهداشت زبان و کار مردم‌شناسان زبان^۲ درباره آنچه با اصطلاح «ایدئولوژی‌های زبان»^۳ به آن اشاره می‌شود، وجود دارد (شیف‌لین^۴، وولارد^۵ و کراسکریتی^۶، ۱۹۹۸). همانند بهداشت زبان، نوشتگان مربوط به ایدئولوژی‌های زبان نیز بر این نکته پای می‌فشارند که بازنمایی‌های زبان به ندرت فقط بازنمایی‌هایی مربوط به زبان هستند؛ بلکه، همان‌گونه که سوزان گال^۷ اوجا کرده است، این بازنمایی‌ها «به نحوی نظام‌مند به دیگر زمینه‌های گفت‌وگو فرهنگی، همچون طبیعت افراد^۸ قدرت، و یک نظم اخلاقی مطلوب مربوط هستند» (۱۹۹۵: ۱۷۱). تمایزی که در این سنت میان ایدئولوژی (یعنی نحوه بازنمایی شدن زبان) و عملکرد^۹ (یعنی نحوه کاربرد واقعی زبان) قائل شده‌اند، در رویکرد من به بهداشت زبان نیز مستتر است، و بسیاری از نمونه‌های آن را می‌توان به عنوان کوشش‌هایی برای هم‌خوان کردن برخی از سویه‌های عملکرد [زبانی] با بازنمایی ایدئولوژیک، آن توصیف کرد. اما احتمالاً از نظر تأکیدی که بر نکات یا موضوعاتی می‌شود، بین رویکرد من و رویکرد ایدئولوژی‌های زبانی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ بدین دلیل که من تمایل دارم به خود بهداشت زبان به عنوان عملکردی (یا مجموعه‌ای از عملکردهایی) بنگرم که هم بازنمایی‌های زبان را تولید می‌کند و هم شیوه‌های خاص کاربرد آن را. اما رابطه پیچیده‌ای که میان بازنمایی و رفتار [زبانی] وجود دارد، در هر دو رویکرد بررسی شده است (بررسی این موضوع در دیگر حوزه‌های پژوهش‌های زبان‌شناختی، همچون زبان‌شناسی تنوع‌گرای «موج سوم»^{۱۰} و مطالعه زبان، جنسیت و سکسوالیته^{۱۱} نیز سودمند

-
1. normativity
 2. linguistic anthropologists
 3. 'language ideologies'
 4. Schieffelin
 5. Woolard
 6. Kroskrity
 7. Susan Gal
 8. nature of persons
 9. practice
 10. 'third waves' variationist linguistics
 11. sexuality

بوده است (برای نمونه، اِکرت^۱، ۲۰۰۸، هال^۲، ۱۹۹۵، ناکامورا^۳ ۲۰۰۶).

حوزه پژوهشی دیگری که به پروژه پیشنهادی بهداشت زبان کمک کرده است، مطالعه «مدیریت زبان» است که برنارد اسپالسکی^۴ (۲۰۰۹: ۱۸۱) آن را «کوشش برخی افراد یا مؤسساتی تعریف می‌کند که برای خود اتوریتته لازم برای اصلاح عملکردها یا باورهای زبانی گروهی از گویشوران [زبان‌ها] را قائل هستند». تصور مدیریت زبان برآمده از مطالعات سیاست و برنامه‌ریزی زبان است که به طور خاص و در وهله نخست بر مسائل زبانی تمرکز داشتند که پس از استعمارزدایی میانه قرن بیستم، کشورهای تازه به استقلال رسیده با آنها روبه‌رو شده بودند. در [ویراست] ۱۹۹۵ من برنامه‌ریزی زبان را در شمار یکی از انواع بهداشت زبان قرار دادم؛ البته در شمار آن دست فعالیت‌های بهداشت زبانی که متخصصانش از جایگاه علمی آن در برابر اتهامات دست‌کاری اشتباه و پنهان [زبان] حمایت می‌کنند. از گذشته گرایش بر این بوده است که با موضوع برنامه‌ریزی زبان به عنوان فعالیت فنی برخورد شود؛ و در عین حالی که سوئی ایدئولوژیک آن به رسمیت شناخته شده بود، به ندرت با این موضوع با پرسش‌گری انتقادی برخورد می‌شد. با وجود این، در کارهای جدیدتری که در زمینه مدیریت زبان انجام گرفته است، بر مسائل مرتبط با قدرت بیشتر تأکید می‌شود، و افزون بر این، حوزه توجه آن نیز گسترش یافته است تا بتواند مجموعه بزرگ‌تر و متنوع‌تری از مداخلات زبانی را دربرگیرد. در اصل، تعریف اسپالسکی از مدیریت زبان را نه تنها می‌توان درباره مواردی به کار بست که در آن اتوریتته اعمال شده، اتوریتته سیاسی و/یا حقوقی ای^۵ است که دولت بنا نهادهای دولتی اعمال می‌کنند (همان‌طور که معمولاً در مورد برنامه‌ریزی زبان می‌بینیم)، بلکه این تعریف را می‌توان درباره انواع مواردی هم به کار بست که من در *بهداشت زبان* بحث کرده‌ام، و در آنها اتوریتته‌ای که اعمال می‌شود، ممکن است اتوریتته حرفه‌ای (همانند اتوریتته ویراستاران که عملکردشان در فصل ۲ بررسی شده است) یا اساساً اخلاقی باشد (همانند اصطلاحات مربوط به «یک‌نمایی سیاست‌ورزانه»^۶ که مورد توجه خاص فصل ۴ است). در پژوهش خود اسپالسکی (۲۰۰۹) عملکردهایی بررسی شده است که شالوده آنها را اتوریتته دینی یا نظامی فراهم می‌کند؛ [اما] پژوهشگران دیگر به طور خاص علاقه‌مند به بررسی مدیریت زبان توسط مؤسسات تجاری و

1. Eckert
2. Hall
3. Nakamura
4. Bernard Spolsky
5. juridical
6. 'PC' terminology

شرکت‌هایی بوده‌اند که قدرت و نفوذ فزاینده آنها یکی از مشخصه‌هایی است که در عصر جهانی‌سازی اقتصاد در دنیای امروز، صحبت‌های زیادی درباره آنها می‌شود (برای خواندن بحث‌های بیشتر در این زمینه نگاه کنید به تکمه این کتاب).

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در آن پژوهشگران به بررسی موضوعاتی می‌پردازند که برخی از آنها جایگاهی محوری در *بهداشت زبان* دارند، مطالعه یادگیری و آموزش زبان است. برای نمونه، در بحث‌های مربوط به آزمون‌سازی و ارزش‌یابی [زبان] که به طور سنتی در آنها بر موضوعات فنی، همچون چگونگی تعریف هنجارها و سنجش اعتبار^۱ عملکرد زبان‌آموزان با توجه به آنها تأکید شده، به تازگی به این دست پرسش‌ها توجه شده است که چه کسی / کسانی هنجارها را تعریف می‌کند/ می‌کنند و تلویحات ایدئولوژیک این هنجارها چه چیزهایی هستند (برای نمونه، مکنامارا^۲ ۲۰۰۹، شوهامی^۳ ۲۰۰۳؛ تولان^۴ ۲۰۰۹). همچنین جدلی پایدار و همیشگی درباره اهداف اهداف ایدئولوژیک و نمادین^۵ که آموزش زبان انگلیسی در خدمت آنها قرار دارد، در جریان بوده است: برای نمونه، چگونگی بازنمایی زبان انگلیسی در مواد آموزشی^۶ به صورتی انتقادی تحلیل شده است (گری^۷ ۲۰۱۰)، و اینکه روش‌های اصلی و شناخته‌شده آموزش [زبان] به صورت پنهان تقویت‌کننده چه هنجارهای زبانی و غیرزبانی هستند نیز به صورت انتقادی تحلیل شده است (پلاک^۸ ۲۰۰۱). حوزه ارتباطات بین‌فرهنگی^۹ که با آموزش زبان در پیوند است نیز به نحوی نحوی انتقادی تحلیل شده است (پیلر^۹ ۲۰۱۱).

جدای از آن ویژگی که به طور خاص مورد توجه جیمز میلروی و پژوهشگران دیگر قرار گرفت - یعنی انواع پدیده‌هایی که زیر عنوان بهداشت زبان قرار می‌گیرند - عمده توجه انتقادی که به کتاب *بهداشت زبان* شده است، متوجه دو ویژگی دیگر آن بوده است؛ ویژگی نخست مربوط به آن چیزی است که من انتظار داشتم جدل‌برانگیزترین سبب استدلال من برای زبان‌شناسان باشد: این حرف که محکوم کردن ساده و راحت همه صورت‌های بهداشت زبان بر پایه اصول ضدتجویزگرایانه، نه سودمند است و نه منطقی. برای نمونه، زبان‌شناس کپروواتش دمیر کالوگجرا^{۱۰}، ابراز نگرانی کرد که عقب‌نشینی از [اصل] سستی ضدیت با تجویزگرایی، می‌تواند

-
1. reliability
 2. MacNamara
 3. Shohamy
 4. Toolan
 5. teaching materials
 6. Gray
 7. Block
 8. intercultural communication
 9. Piller
 10. Damir Kalogjera

توانایی زبان‌شناسی را در مخالفت با مداخلات زبانی دارای انگیزه سیاسی تضعیف کند؛ بدین دلیل که چنین کاری اتوریت علمی را که برآمده از تعهد آنها به توصیف عینی است، برمی‌انگیزد. {۲} بر پایه چنین دیدگاهی (که در مورد مد نظر کالوگجرا متأثر از تجربیات عینی او از بهداشت زبانی ملی گرایانه‌ای است که پس از تکه‌تکه شدن یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت)، توجه جدی به بهداشت زبان می‌تواند خطر عفو یا حتی صحنه گذاشتن بر آن را در پی داشته باشد. نگرانی مشابهی نیز در نتیجه‌گیری نظرسنجی‌ای بیان شده است که برنارد اسپالسکی انجام داده است؛ اسپالسکی پس از اشاره به ناکامی‌های مکرر مدیران زبان^۱ در رسیدن به اهداف خود، این موضوع را مطرح کرده است که آیا زبان‌شناسان باید برای کارآمدتر شدن مدیریت زبان بکوشند، یا آن‌گونه که او بی‌پرده و مشخص نتیجه‌گیری کرده است، «این کار اساساً ناخوشایند است» (۲۰۰۹: ۳۶۱).

پاسخ خود من به پرسش اسپالسکی این می‌تواند باشد که این کار چه خوشایند باشد چه نباشد، کاری است اجتناب‌ناپذیر. اما پذیرش اینکه بهداشت زبان یکی از همراهان اجتناب‌ناپذیر هر گونه کاربرد زبان است، به معنای صحنه گذاشتن بی‌چون‌وچرا بر هر طرح مغرضانه و ابلهانه‌ای که ممکن است به نام آن مطرح شود، نیست. بل این همه، اختلاف من با کالوگجرا در این است که استدلال‌هایی را که درباره عملکردهای زبانی هنجارمند می‌شود، حتی در صورت موفقیت آنان، فقط با روبه‌رو کردن مردم با واقعیت‌های زبانی عینی نمی‌توان اجرایی کرد. بلاهت مغرضانه موجود در چیزی همچون نبرد بزرگ دست‌ورزبان (فصل ۳) ریشه در ناکامی افراد درگیر در آن به در پیش گرفتن دیدگاه علمی مناسبی نسبت به دست‌ورزبان ندارد، بلکه ریشه در ارزش‌های اقتدارگرایانه و تنبیهی ریشه‌دار و بنیادینی دارد که در توصیه‌هایی که درباره آموزش دست‌ورزبان می‌شود، به صورت نمادین بیان شده‌اند.

این ادعا مرا به دومین انتقادی می‌رساند که از بهداشت زبان شده است. جنوزان رومین^۲ (۱۹۹۷) یکی از چندین منتقدی بود که اشاره کردند استدلال‌های من درباره «جایگاه «بخشای» هنجارگذاری زبانی به خودی خود (هنجارگذاری زبانی به خودی خود نه خوب است نه بد، بلکه همان چیزی است که هست) همراه با چیزی نیست که خوانندگان منطقاً ممکن است انتظارش را داشته باشند؛ از جمله به عنوان نشانی از آن نوع عملکرد هنجارگذاری که من آن را پذیرفتنی یا خوشایند می‌دانم. من نمی‌توانم منکر این نکته شوم که این ادعا حرف دقیقی است: من عین پرسشی را که این منتقدان می‌پرسند در دهان خواننده فرضی‌ام می‌گذارم («خُب، به هر حال

1. language managers
2. Suzanne Romaine